

هدفمندی یارانه ها و صنعت گردشگری

همایون ذرقانی

فرایند انتخاب مدیران دولتی در شرایط کنونی به معنای به کارگیری تجربیات عملی در بدنه تصمیم گیری کشور است. بیش از هر زمانی باید این پرسش را در ذهن خود مرور کنیم که کارگزاران سفر در کشورهای توسعه یافته که از یارانه ای بهره مند نیستند همواره گشت های مسافرتی ارزان قیمت برای ایرانیان ترتیب می دهند. حمایت دولت متبوع شان ویژگی هایی دارد که باید آن را مطالعه کرد برای مثال هتل های ترکیه از حمایت های دولت بر اساس کارایی بهره می برند. اینکه تصور کنیم دولت برای کاهش قیمت خدمات گردشگری دوباره به این فکر بیافتد تا به عرصه تصدی گری وارد شود و از در رقابت با بخش خصوصی درآید پاک کردن صورت مساله است.

هدفمندی یارانه ها را باید همه جانبه بررسی کرد. در ماه های آینده منابع مالی گزافی از قبل این صرفه جویی در اختیار دولت می ماند. بخشی از این منابع لازم است برای رونق صنعت گردشگری کشورمان و تزریق ناوگان مناسب هواپیمایی، ریلی، جاده ای و دریایی صرف شود. حق تمامی هموطنان در این سرزمین پهناور است تا از حمل و نقل ایمن و راحت برخوردار باشند و ناوگان مناسب حمل و نقل یکی از شاخص های توسعه پایدار در هر کشوری به شمار می رود.

هواپیمای ایران ایر سال هاست که به عنوان یک هواپیمایی ایمن در اذهان ایرانیان نقش بسته بود. هر کسی با پرواز ایران ایر احساس آرامش داشت. دست کم برای آن دسته از هموطنان که از پرواز با دیگر هواپیمایی های ریز و درشت کشور ابا داشتند، پرواز با هواپیماهای ایران ایر معنای دیگری داشت. بی تردید سقوط هواپیمای ارومیه رویدادی غیرقابل انتظار و شوک برانگیز برای مسافران قدیمی و علاقه مندان به این شرکت هواپیمایی به شمار می رود.

همان قدر که استیضاح وزیر راه و ترابری را نمی توان راه حل منطقی مسائل دیرآشنای وزارت راه و ترابری دانست اعلام ادغام این وزارتخانه از سوی رئیس جمهور نیز بیشتر به مجادله لفظی می ماند و دست کم در شرایط فعلی غیرکارشناسی است. این گونه رفتارها از انتظارات و مطالبات فراگیر مردم برای در اختیار داشتن حمل و نقلی ایمن به هیچ وجه نکاسته است. وظیفه ای به غیر از این برای دولت نمی توان متصور بود که حمل و نقل ایمن و کارآمد را برای تمامی شهروندان ایرانی - که حق مسلم آنان به شمار می رود- فراهم کند.

قانون هدفمندی یارانه ها به عنوان یکی از شاخص ترین برنامه های اقتصادی و اجتماعی دولت تبعات و تاثیرات گوناگونی در برنامه ریزی های آینده به دنبال خواهد داشت. این قانون در ظاهر با آزادسازی تدریجی قیمت ها می کوشد ضمن تغییر الگوی مصرف شهروندان، برای بهبود ساختارهای اقتصادی و مدیریتی، منابع مالی دست و پا کند تا کشور در عرصه تجارت جهانی مزیت های نسبی برای رقابت داشته باشد.

تبعات این قانون اما برای صنعت گردشگری هنوز از شفافیت لازم برخوردار نیست. در شرایط کنونی اگر قرار باشد افزایش پلکانی هزینه ها بدون برنامه ریزی منطقی ارائه شود آشفته بازار در این صنعت وضعیت شکننده ای رقم خواهد زد.

در این مقطع دو برنامه برای ایجاد بهره وری در صنعت گردشگری می توان متصور بود. یکی بهبود نظام مدیریتی بخش خصوصی است تا چطور بتوانند سازوکارهای علمی و مدیریتی را به کار گیرند تا دست کم از نظر رقابتی و ارائه خدمات مناسب به روز باشند. هم اکنون فرصت بسیار مناسبی است تا مدیران رویکرد علمی و کارشناسی به فعالیت ها ببخشند و همگام با آخرین تغییرات روز دنیا از تجربیات موفق کشورهای توسعه یافته در حوزه گردشگری استفاده کنند. این راه کار البته بیشتر باید مورد توجه مدیران و کارگزاران دولتی نیز باشد. آنها هنوز در شناسایی فعالیت های مستعد گردشگری و حمایت منطقی از بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی راه درازی پیش رو دارند.

کارگزاران دولتی وقتی برای تعیین راهبرد و تدوین برنامه حمایتی به فکر می افتند برای پرهیز از به چاه افتادن در ورطه حمایت های رانت گونه لازم است از مشورت تنگاتنگ انجمن های صنفی و واگذاری اختیارات به آنها غافل نباشند و برای بازنگری جدی در قوانین و مقررات صنعت گردشگری اهتمام کنند. معافیت ها و تسهیلات را تنها برای بخش خصوصی و براساس بیلان کار و بازدهی بنگاه های کارآمد اقتصادی ارائه دهند.

زمینه های توسعه و شکل گیری شرکت های بزرگ و هلدینگ پیش نیاز توسعه صنعت گردشگری است. ضمن اینکه باید به معکوس شدن جریان مدیریت نیز فکر کرد. در هیچ مقطعی از تاریخ شاهد نبوده ایم که مدیران ارشد دولتی از مدیران با سابقه بخش خصوصی انتخاب شوند اما تا بخواهید مدیران دولتی به بخش خصوصی راه یافته اند. معکوس شدن